■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۹۵ ■ شنبه ■ ۱۲ شهریور ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۴ | اذان مغرب ۱۹/۴۷ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۵/۱۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۹

سخن روز

امام سجاد(ع) می‌فرمایند:
بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفا است.
بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱

غفلت های دل آزار در شعر آیینی



محمود اکرامی‌فر: شعر آیینی دو وجه را شامل می‌شود، یک وجه کلی که اشعار مرتبط با تمام آیین‌های ملی و مذهبی از جمله بعثت، میلاد و شهادت ائمه اطهار(ع)، یلدا، نوروز و سیزده بدر را دربردارد و یک وجه خاص که تعریفی ویژه دارد و اشعار مربوط به آیین‌های مذهبی را در برمی‌گیرد. اشعار متعهد اجتماعی هم می‌توانند آیینی باشند ولی هر شعر آیینی متعهد نیست و از آن محدودتر است. متأسفانه موضوعات مهمی در حوزه شعر آیینی مغفول مانده‌اند، شاعران آیینی ما از محتوای سه جمله ارزشمند یکی «فزت و رب‌الکعبه» در بیان زیبای امام علی(ع) و «هیهات منا‌الذله» امام حسین(ع) در ظهر عاشورا و «ما رایت الا جمیلاً» در کلام حضرت زینب(س) غافل مانده‌اند که اولی به رستگاری، دومی به عزتمندی و سومی به زیبا دیدن حماسه‌ها اشاره دارد. در چنین شرایطی آنچه بیش از پیش خودنمایی می‌کند ضرورت مطالعه و دانش عمیق شاعران در حوزه شعرهای آیینی موضوعی است، بویژه که شعر آیینی حساسیت بیشتری را طلب می‌کند.

بخشی از گفته‌های این شاعر و پژوهشگر ادبی در ایبنا



باید به ترس و خشم درونت غلبه کنی. بگذار روشنی نور بتابد و سرمای قلبت را ذوب کند. پوست کلفت بودن یعنی همین دیگر.

کافکا در کرانه، هاروکی موراکامی، مهدی غبرایی، نشر نیلوفر

نگاره
کیان رادپویان

گرمای زمین رکورد ۷۰۰۰ ساله را شکست



مشق حکمت زیر نور بوعلی سینا

یاد

حسین عطایی
نویسنده



برای بسیاری از فضلای علاقه‌مند به فلسفه در تهران، محضر درسی مرحوم آیت الله سید حسن سعادت مصطفوی رحمة الله علیه، نقطه امنی برای فراگیری فلسفه اسلامی بود. جدا از جلسات درسی دانشگاهی و حوزوی که جنبه‌ای رسمی داشت و شاید به حقیقت نتوان آن را معیاری برای میزان موفقیت تدریس استادی دانست، حضور دائمی و از روی علاقه شاگردان آن مرحوم در جلسات درسی آزاد آن استاد، نشان‌دهنده موفقیت ایشان در زمینه تدریس فلسفه بود. به جرأت می‌توان گفت که در دهه آخر عمر مرحوم مصطفوی که دیگر چهره‌های شاخص فلسفه تهران یا فوت شده بوده‌اند یا به سبب بیماری قادر به تدریس نبودند، حضور ایشان بر کرسی فلسفه تهران، نوع منحصر در فرد بود؛ بنابراین پاسداشت و ذکر برخی صفات و ویژگی‌های ایشان، در واقع پاسداشت فلسفه اسلامی است.

از لحاظ شخصیتی، مرحوم مصطفوی، چنانکه در اکثر شخصیت‌های بزرگ علمی و روحانی دیده می‌شود، مخاطب را در انتخابی دوگانه قرار می‌داد؛ یا نمی‌توانستید با ایشان وارد یک رابطه فراتر از معمول شوید یا اینکه با کوچک‌ترین ارتباطی، واله و شیفته شخصیت‌شان می‌شدید. به همین سبب تمام شاگردان نزدیک ایشان، وی را نه تنها مدرس فلسفه که به‌عنوان پدری روحانی تلقی می‌کردند.

اما چه ویژگی‌هایی سبب شد تا ایشان به این جایگاه والای علمی و عملی برسد؟ اول اینکه آن مرحوم با ممارست و مداومت بر تحصیل و تدریس، تبحری کامل بر فلسفه اسلامی داشت و این تبحر، سبب انتقال صحیح علم از ایشان به شاگردان بود. مرحوم مصطفوی از نسلی از روحانیون بود که تنها و تنها با در نظر گرفتن چشم‌اندازی علمی و نه اجرایی یا هر چیز دیگری، به این سلک وارد شده بودند و وظیفه اصلی و ذاتی روحانیت را، تفقه دینی می‌دانستند و دیگر وظایف را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دادند. با این شرایط، طبیعی بود که آیت‌الله مصطفوی، ذهن و جان خود را وقف علم، بویژه فلسفه اسلامی کرده بود و در تربیت شاگردان فلسفی موفقیتی کامل داشت. به تجربه برای نویسنده این سطور و دیگر شاگردان ایشان مسجل شد که با درک محضر ایشان، دیگر نیازی به حضور در درس دیگر استادان فلسفه، حتی استادان شهر مقدس قم، وجود ندارد.

مرحوم مصطفوی نگاه خاصی به فلسفه داشت و شهرت ایشان به حکیم سینوی، عاری از حقیقت نیست. ایشان هرچند هم اسفار و دیگر کتب فلسفی غیرسینوی را تدریس می‌کرد و ذره‌ای نیز در تعظیم شخصیت شیخ اشراق و ملاصدرا کوتاهی نمی‌کرد اما مرام و مسلک شیخ‌الرئیس ابن‌سینا را ترجیح می‌داد که این ترجیح حتی به صبغه علاقه و ارتباطی قلبی درآمده بود.

آیت‌الله مصطفوی در جمع بین اسلامیت و فراگیری فلسفه وسواسی شدید داشت و بر خلاف امروز که مباحث فلسفی تبدیل به کالایی معنوی شده است که به همه مشتری‌ها فروخته می‌شود، خطر فراگیری فلسفه برای غیراهلش را جدی می‌دانست. در نظر ایشان متعلمین فلسفه سه دسته هستند: یا هیچ چیز از مباحث فلسفی نمی‌فهمند یا بعضی چیزها را می‌فهمند و بعضی چیزها را نمی‌فهمند یا همه چیز را می‌فهمند. در نظر ایشان فراگیری فلسفه برای دسته اول و آخر خطری نداشت اما دسته دوم را گروهی خطرناک می‌دانستند که با کج‌فهمی‌شان، آبروی فلسفه و فیلسوفان را می‌برند. همچنین ایشان همیشه تأکید داشتند که قبل از فراگیری فلسفه باید دوره‌ای کلام آموزش داده شود و شیوه خودشان نیز آن بود که قبل از آغاز هر دوره فلسفی، کتاب تجریدالاعتقاد را تدریس می‌کردند.

مرحوم مصطفوی در تربیت شاگردان به حاشیه‌ها نیز اهمیت می‌داد. معمولاً اگر شاگردی را ناراحت و دل‌شکسته می‌دید، مستقیم یا غیرمستقیم جویای احوالش می‌شد و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کرد. اکنون که به‌عنوان شاگردی با پنجاه سال اختلاف سن بعضی از این دلجویی‌ها را برای خود و دیگران به یاد می‌آورم، اگر آنها را در همان مواقع به قید کتابت نیاورده بودم، پذیرش آن حتی برای خودم نیز ناممکن بود و آن را ساخته و پرداخته ذهنم فرض می‌کردم. تنها از باب نمونه ذکر می‌کنم که حدود ۱۰ سال پیش که طلبه حوزه مرحوم مجتهدی بودم، به مشکلی آموزشی برخوردم. روزی برای شرکت در کلاس منظومه استاد مصطفوی به دانشگاه امام صادق(ع) رفتم اما با دلنگرانی و اضطراب. استاد که از وجناتم دریافته بود مشکلی وجود دارد، پس از آگاهی، دست به تلفن شد و با تماس با مسئول آموزشی مجتهدی که یکی از شاگردان قدیمی ایشان بود، مشکل مرا حل کردند و غم را از دلم بردند. امثال این اتفاقات برای همه شاگردان ایشان روی داده و خاطراتی شیرین در ذهن‌هایشان رقم زده است.

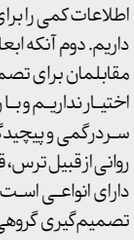
ذکر خاطرات و ویژگی‌های مرحوم آیت‌الله مصطفوی، مجالی گسترده‌تر می‌طلبد که اینجا میسر نیست. در مراسم ختم ایشان مدام این شعر صائب تبریزی به ذهنم متبادر می‌شد:

«این خط جاده‌ها که به صحرا نوشته‌اند/ یارانِ رفته با قلم پا نوشته‌اند/ سنگ مزارها همه سر بسته نامه‌هاست/ کز آخرت به مردم دنیا نوشته‌اند»

ایشان مردی بود که تأثیری عظیم بر شاگردانش داشت و ما در سیمای او ابن‌سینا و خواجه نصیر را می‌دیدیم.

آیا تصمیم‌گیری یک مهارت است؟

یک فنجان چای



دکتر محمدرضا ایمانی
روانشناس

در فرایندهای مختلف زندگی همواره در دو راهی‌ها یا چند راهی‌های مختلف قرار می‌گیریم و تصمیم‌گیری می‌کنیم که در چه مسیری به راه خود ادامه دهیم اما اغلب از تصمیم‌های خود پشیمان می‌شویم!

این یک موضوع متداول و البته پر تکرار است که ما را با هزینه‌هایی گاه گزاف مواجه می‌کند. هزینه‌هایی که هم جنبه مادی دارد و هم هزینه‌های روحی و روانی. گاه به ورشکستگی می‌انجامد و گاه به صدمات و آسیب‌های سخت عاطفی-روانی.

اما چه باید کرد؟ چرا برخی از افراد در زندگی و کسب و کار خود موفق هستند و به الگوهای مناسب تبدیل شده‌اند و برخی دیگر نه؟

برای پاسخ به این سؤال باید اذعان داشت که تصمیم‌گیری یک مهارت آموختنی و بسیار کاربردی است. مهارتی که از سطوح پایین و پیش پا افتاده تا سطوح عالی زندگی ما را در بر می‌گیرد و در بسیاری از مواقع به‌دلیل ارتباط یک موضوع با دیگران، تصمیم‌گیری‌هایمان با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. در اصل تصمیم‌گیری، انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف و به عبارتی دیگر بهترین راه‌حل در شرایط موجود برای دستیابی به اهداف است. در تصمیم‌گیری، شناسایی و انتخاب گزینه‌های جایگزین، بر اساس ارزش‌ها و ترجیحات فرد تصمیم‌گیرنده را همواره باید در نظر داشت.

چگونه باید تصمیم گیری کنیم؟

در تصمیم‌گیری دو اصل را باید در نظر داشته باشیم: نخست، جایی که بیشترین احتمال موفقیت یا اثربخشی را دارد و دوم، تصمیماتی که به بهترین وجه با اهداف، خواسته‌ها، سبک زندگی و ارزش‌هایمان تناسب دارند.

درجه سختی تصمیم گیری چیست؟

گاهی به دلایلی برای تصمیم‌گیری دچار نگرانی، ترس، اضطراب و دلهره‌هایی می‌شویم که ریشه در چهار مسأله دارد: اول آنکه اطلاعات کمی را برای تجزیه تحلیل و بررسی یک مسأله در دسترس داریم. دوم آنکه ابعاد، اندازه، جهت یا رفتار مشخص و معلومی در مقابلمان برای تصمیم‌گیری نداریم. سوم، وقتی که منابع لازم را در اختیار نداریم و با راه حل‌های رقابتی متعدد روبه‌رو هستیم که به سردرگمی و پیچیدگی در تصمیم‌گیری می‌انجامد. چهارم، عوامل روانی از قبیل ترس، قدرت، اضطراب و نگرانی‌ها است. تصمیم‌گیری دارای انواعی است که عبارتند از: تصمیم‌گیری فردی در برابر تصمیم‌گیری گروهی، تصمیم‌گیری منطقی در برابر تصمیم‌گیری شهودی، تصمیم‌های برنامه‌ریزی شده در برابر تصمیم‌های برنامه‌ریزی نشده، تصمیم‌گیری شخصی در برابر تصمیم‌گیری سازمانی و تصمیم‌گیری استراتژیک در برابر تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی و عملیاتی. در تصمیم‌گیری فردی بیشتر مسائل در ذهن‌مان حل و فصل می‌شود و افراد به دنبال بهترین تصمیم هستند. در این سبک تصمیم‌گیری مسئولیت هر تصمیم بر عهده فرد است و حتی اگر اشتباه هم تصمیم بگیرید، بی‌تردید نیت فرد اخذ بهترین تصمیم بوده است اما همواره افراد در این تصمیم‌گیری‌ها دچار ترس‌ها و استرس‌های زیادی می‌شوند. در تصمیم‌گیری گروهی، همه چیز باید به شکل شفاف انجام شود و افراد باید توانایی متقاعدسازی دیگران را داشته باشند. در این سبک تصمیم‌گیری ریسک‌های فردی کاهش پیدا می‌کنند اما همواره برخی از افراد با استفاده از منابع قدرت، دیدگاهشان را به جمع تحمیل می‌کنند. برخی دیگر از افراد همواره بر اساس شهود توسط غریزه و احساسات تصمیم‌گیری می‌کنند، به همین خاطر تفکر آگاهانه، عقل یا فرایندهای عقلانی در آن نقش زیادی ندارد. شهود می‌تواند منشأ خطاهای قابل توجهی در تصمیم‌گیری باشد که ریشه در شش عامل اطلاعات ناقص، سوگیری عاطفی کوتاه مدت، در نظر نگرفتن همه گزینه‌ها، پیشداوری‌ها، عدم صراحت و کاربرد نامناسب دارد. نوع دیگری از تصمیم‌گیری‌ها شخصی یا سازمانی است. در تصمیم‌گیری شخصی، افراد آزادی بیشتری را حس می‌کنند اما در تصمیم‌گیری سازمانی باید مدیران ارشد یا هیأت مدیره، کارکنان، مشتریان، دولت و نهادهای حاکمیتی و بسیاری ذینفعان دیگر را راضی کنند و حتماً باید ترجیحات و انتظارات ذینفعان را مبنا قرار دهند. همچنین به خاطر ملاحظات هیأت‌مدیره و انتظار سهامداران یا ذینفعان باید ریسک‌های موجود را کنترل نمایند. سه نوع تصمیم‌گیری به‌هم تنیده شده دیگر عبارتند از تصمیمات استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی. تصمیمات استراتژیک دارای ماهیت پیچیده بوده و با تهدیدها و فرصت‌ها سروکار دارند. این تصمیمات با تغییرات عمده و گسترده‌ای از فعالیت‌های سازمان در ابعاد بلند مدت در ارتباط است و معمولاً می‌بایست در بالاترین سطح تصمیم‌گیری قرار گیرند. از آنجایی که با آینده سروکار دارند، نامعلوم هستند و خطر زیادی را شامل می‌شوند. اما تصمیمات عملیاتی در مورد نحوه اجرای تصمیمات استراتژیک کسب و کارها به‌کار می‌روند و افق کوتاه مدتی دارند. تصمیمات عملیاتی روی رشد کسب و کارها تمرکز داشته و در سطوح پایین مدیریتی به آنها توجه می‌شود. هر گونه تغییر در خصوص تصمیمات استراتژیک منجر به تغییر در تصمیمات عملیاتی می‌شود و البته قابلیت تکرار و انجام سریعی دارند. رشد کسب و کارها عامل افزایش تعداد تصمیمات عملیاتی در سازمان‌ها است. در آخر نیز تصمیمات تاکتیکی قرار می‌گیرد. تصمیمات تاکتیکی، برنامه‌های لازم جهت اجرای دقیق تصمیمات استراتژیک کسب و کارها است. این روش در مقایسه با تصمیمات استراتژیک دقیق‌تر و منطقی‌تر است. هرگونه تغییر در خصوص تصمیمات استراتژیک منجر به تغییر در تصمیمات عملیاتی می‌شود. این شیوه تصمیم‌گیری میان مدت بوده و در صورت عدم موفقیت تصمیم تأثیرش روی کسب و کار محدود است. اینگونه تصمیمات در سطح پایین مدیریتی گرفته می‌شوند.

روایت پیامبری که معجزه نداشت

پیشنهاد



سمیه عظیمی
نویسنده

حمید روحانی است؛ روحانی سیدی که قرار است برای تبلیغ ایام محرم، عازم شهری در مرز شود؛ به همراه همسرش لعیا. لعیا دم حرکت، خودش را در آینه پشت آفتابگیر ماشین رانداز کرده و با احتیاط جوری که به سید برنخورد، گفته بود «نمی‌خواد با عبا و عمامه پشت ماشین بشینی» و سیدحمید گوش نکرده بود. و حالا که گرفتار قادر و داروسته شرورش شده، پشت ماشین به حرف‌های قادر فکر می‌کند که «نصفت می‌کنیم، از وسط نصفت می‌کنیم»، دلش می‌خواهد کمی از عذاب وجدانش کم کند؛ از اینکه چرا به حرف لعیا گوش نکرده. پس پیش خودش فکر می‌کند اگر عبا و عمامه را نپوشیده بودم هم، از ریشم می‌فهمیدند، از یقه پیراهنم. اصلاً وقتی در صندوق عقب را باز می‌کردند، عبا و عمامه را می‌دیدند. بعد دوباره همین‌طور که دارد پشت ماشین قادر، با چشمان بسته، به این طرف و آن طرف پرت می‌شود، یادش می‌آید که ای کاش پایش را روی ترمز نگذاشته بود؛ که خودش و لعیا عین دو صید مفت و مجانی نمی‌افتادند در دام قادر. و صدای همراه قادر را نشنیده بود که می‌گفت «هوی قادر، از بخت روزگار ببین چی گیرمان آمده!» اینها تلاش محمدعلی رکنی است برای جلب مخاطبی که قرار است کتابش را بخواند؛ «پیامبر بی‌معجزه». هرچند سیدحمید در دام قادر و سردسته‌اش، «آسا»، گرفتار شده، اما بیش و پیش از اینها، او گرفتار نفسی است که باید در جریان این دستگیری توسط اشرار، از آن خلاص شود. داستان پیامبر بی‌معجزه، داستانی خواندنی است؛ داستانی که



تلاش کرده مخاطب را با روحی پیامبرگونه و نفس قدسی پیامبر گرامی اسلام آشنا کند. در واقع محمدعلی رکنی می‌خواهد صفات رحمانی رسول‌الله را برای مخاطب، از زاویه‌ای متفاوت و با داستانی امروزی، بیان کند و حضور سیدموسی و روضه‌هایش، به همین دلیل است؛ سیدی که جایی از قصه، یار و همراه سیدحمید می‌شود و تا پایان، عطر خوش روضه‌ها و نوای سحرگونه‌اش، با سیدحمید باقی می‌ماند؛ وقتی چشم‌هایش را می‌بندد و سعی می‌کند مثل سیدموسی، ببیند و بخواند «او می‌دوید و من می‌دویدم». نشر صاد که ناشر اثر محمدعلی رکنی است، این کتاب را با صدای وحید آقاپور، به‌صورت صوتی هم منتشر کرده تا اگر کسی دوست داشت یا فرصت و امکان خواندن نسخه کاغذی را نداشت، بتواند از نسخه صوتی استفاده کند. البته برای این کتاب، پویشی هم برگزار شده؛ تا اربعین. دقیقاً به مناسبت تناسب محتوای این کتاب با ایام محرم و اربعین. پویشی که سفر به عتبات عالیات را هم برای برندگانش در نظر گرفته است.

پیامبر بی‌معجزه
نویسنده: محمدعلی رکنی
نشر صاد

گذار به وسعت

بودها و نمودها



علیرضا نراقی
منتقد

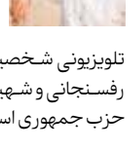
زندگی موجودات این عالم در سیطره محدودیت است. چیزهایی که یک انسان می‌بیند در بیشترین حالت بخش کوچکی از عالم است، بیشترین ارتباطات و گشاده‌ترین روی برای بودن با دیگری به معنای بودن و شناخت همه نیست، تازه هیچ‌یک از آنها را که می‌شناسیم ، دقیق و تام نخواهیم شناخت. گستره طبیعت، تجربیات پرلایه و پیچیده احساسی، درک همه لحظه‌ها و معنای زندگی در ظرف وجودی یک انسان نمی‌گنجد. جهان در وسعت خانه دارد و ما در محدودیت.

ما در سیاره‌ای کوچک از یک بی‌نهایت زندگی می‌کنیم و تازه بیشتر ما بخش بزرگی از این سیاره را هم در طول زندگی خود نمی‌بینیم و با همه این وسعت اکثر عمر خود را ترجیح می‌دهیم در خانه به صفحه کوچک تلویزیون خیره شویم. اعتیادها و وابستگی‌های ما بخشی از همین میل مخرب به محدودتر شدن است. تصور می‌کنیم با گذر ایام و اضافه شدن سن، دید وسیع‌تری پیدا می‌کنیم اما حقیقت این است که در اکثر موارد با کهنسالی به عادت‌هایمان بیشتر می چسبیم و در محدوده تنگ‌تری از خاطرات، خودمان را حبس می‌کنیم. حال طنز تلخ ماجرا اینجاست که این محدوده تنگ را بجا نمی‌آوریم و به آن آگاه نیستیم. از اینجا خودمحوری و ناتوانی از درک چیزهای بیرون از خودمان رخ می‌دهد. اینگونه از تجربیات محدود خود را دستگاه هاضمه‌ای می‌سازیم که گویی باید همه چیز در آن حل شود و اگر نشود چاره‌ای جز طرد و پس زدن نداریم. در جهل بیش از آنچه که ناگزیر هستیم فرو می‌رویم و در هاله‌ای از وهم زندانی می‌شویم. از تماشا غافل می‌شویم در حالی که اگر تمام زندگی خود را صرف تماشا کنیم باز هم برای تماشا چیزهای بی‌نظیری از چشمان ما دور می‌ماند.

این زاویه دید خودمحورانه، خود را به وضوح در مواجهه با هنر نشان می‌دهد، خاصه هنر نو. به جای تماشا و درک تجربه تازه و غریب، اغلب دست به انکار می‌زنیم. حتی گاه عصبانی می‌شویم که چرا امر نو اندازه آن هاضمه بیمار خودساخته نیست و این برایمان دردآور است. درست مثل معتادی که مخدرش به او نرسیده خود را به در و دیوار می‌زنیم تا از هیجان امر نو به وهم امن خود پناه ببریم. حتماً در مواجهه با فیلم یا اثری هنری جملاتی شبیه به این را شنیده یا گفته‌اید که: «این آدم‌ها واقعی نیستند چون من آنها را ندیده‌ام»، «این تصاویر واقعی نیستند چون به ما شباهت ندارند» و «این اثر بی‌سر و ته است چون من آن را نفهمیدم» اینها همه جملات تسهیل‌گری هستند برای رسیدن به انکار و طرد. راه‌های توجیه‌کننده‌ای که بتوانیم پدیده‌های متفاوت را با جهان خود مقایسه و بر اساس عدم تناسب‌شان با عادات‌مان آن‌ها را دور بریزیم. این دامن زدن به محدودیت، یک تراژدی انسانی است. اما هنر بهترین راه مقابله با این عادت‌هاست. هنر نو راهی است برای وسعت بخشیدن به آن هاضمه و سلامت نگه داشتن ذهن. راهی برای اینکه اگر همه جهان را ندیدیم، لااقل چکیده‌ها و بازتاب‌هایی از آن را بشناسیم. سلوکی در این راستا که اگرچه با همه آدم‌ها ارتباط پیدا نکردیم، دست‌کم امکان تصور و درک آنها را در خود تقویت کنیم.

هنرمندان در فضای مجازی

انتشار اطلاعات و اخبار تازه درباره فعالیت اهالی سینما، تئاتر، موسیقی و کتاب همچنان مؤلفه تکرار شونده در مطالبی است که اهالی فرهنگ و هنر در فضای مجازی منتشر کرده‌اند. آنچه می‌خوانید برشی از این اطلاعات است.



همایون شجریان با انتشار یادداشتی اعلام کرد که زمان برگزاری کنسرت‌های کانادای او، به دلیل آماده نشدن ویزای تعدادی از اعضای ارکستر سیاوش به ماه ژانویه تغییر کرد. او که پیشتر اعلام کرده بود قرار است ۱۱ تا ۲۰ شهریور (دوم تا ۱۱ سپتامبر) در شهرهای تورنتو، مونترال، ونکوور و کلگری کشور کانادا به روی صحنه برود، اکنون یک روز پیش از آغاز این کنسرت‌ها، از تغییر زمان برگزاری آنها خبر داده است. شجریان در توضیح علت این اتفاق نوشته: «در حال حاضر ۱۲ نفر از اعضای ایرانی و غیرایرانی گروه سیاوش که نیازمند دریافت ویزا نبوده‌اند برای تمرین‌های نهایی از محل اقامت‌شان به تورنتو رسیده‌اند. اما برای حضور دیگر اعضا متأسفانه پس از آخرین پیگیری‌های وکیل متوجه آن شدیم که ویزای چند تن از هنرمندان اصلی گروه سیاوش همچنان در پروسه اداری است و هنوز به مرحله صدور نرسیده است. از آنجایی که اجرا بدون حضور این هنرمندان امکانپذیر نیست و کیفیت و اجرای بی‌کم کاست بر همه چیز اولویت دارد، مجبور هستیم برای تحقق این امر و اطمینان از دریافت ویزای کامل اعضای گروه تاریخ برنامه‌های تور کانادا را به ماه ژانویه موکول کنیم.» آن طور که او اعلام کرده تاریخ دقیق این اجراها تا هفته آینده به اطلاع عموم خواهد رسید و برای کسانی که بلیت تهیه کرده‌اند ایمیل خواهد شد. طبق اطلاعات ذکر شده در این یادداشت علاقه‌مندانی که مایل به کنسل کردن بلیت خود هستند، می‌توانند با ارجاع بلیت به سایت خریداری شده وجه خود را دریافت کنند.



علیرضا قربانی در استوری اینستاگرامش موسیقی تیتراژ پایانی سریال «بی‌گناه» را بازنشر کرده است. او این قطعه را با شعری از حسین غیاثی، آهنگسازی علیرضا افکاری و تنظیم بامداد امینی خوانده است. سریال «بی‌گناه» به کارگردانی مهران احمدی و تهیه‌کنندگی مصطفی کیایی در ژانر خانوادگی و درام هر یکشنبه منتشر می‌شود. داستان این سریال درباره بهمن مردانی است که بعد از ۲۵ سال برای پیدا کردن عشق گمشده‌اش به تهران بازمی‌گردد. محسن کیایی، ویشکا آسایش، شبنم مقدمی، مهران احمدی، ماهور الوند، آتیلا پسیانی، مسعود رایگان، مهرانه مهین ترابی و رؤیا تیموریان از بازیگران سریال «بی‌گناه» هستند.



پروازهمای هم تیتراژ سریال «راز ناتمام» را که هرشب از شبکه یک سیما پخش می‌شود با مخاطبانش به اشتراک گذاشته است. این قطعه با عنوان «دعای یک لب مست» با موسیقی و آواز پرواز همای و بر اساس سروده غلامرضا طریقی است. مجموعه تلویزیونی «راز ناتمام» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی امین امانی در کش‌وقوس یک ماجرای امنیتی به زندگی پرفراز و نشیب شهید محمدجواد باهنر می‌پردازد. این سریال تلویزیونی شخصیت بزرگان انقلاب اسلامی از جمله آیت‌الله سیدمحمد بهشتی، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی و شهید محمدعلی رجایی را بازسازی کرده و روایت‌هایی از وجوه مبارزاتی این شخصیت‌ها و حزب جمهوری اسلامی و وقایع دهه ۶۰ و فتنه‌انگیزی و جنایات منافقین را به نمایش می‌گذارد.



محمدرضا شفیعی کدکنی در صفحه اینستاگرام منتسب به خود در پنجشنبه هر هفته به شاهنامه و معرفی منابع تحقیقاتی مربوطه می‌پردازد. او در پنجشنبه هفته‌ای که گذشت بخش‌هایی از کتاب «ارمغان مور» زنده یاد شاهرخ مسکوب را بازنشر کرده است.



پروین علی‌پور توضیحاتی درباره اثر تازه‌اش «کتاب آقا اجازه!» را در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده است. علی خدایی تصویرگر این کتاب است. او نوشته: «به بچه‌ها یاد بدهیم و... خودمان هم یاد بگیریم که زیبا برنده شویم؛ نه با دوز و کلک، نه با پشت پا انداختن به رقیب، نه با... اصلاً چطوره، همه با هم برنده شویم؟!»



سهراب پورناظری همراه با بازنشر پست اینستاگرامی علی شادمان از موفقیت سریال «یاغی» به کارگردانی محمد کارت و بازی طناز طباطبایی، پارسا پیروزفر، امیر جعفری، فرهاد اصلانی، نیکی کریمی و... نوشته است.



علی محمد مؤدب‌زاده پست اینستاگرامی حسین مؤدب را بازنشر کرده که در نقد ادبی اشعار و نحوه‌های تولیدشده است. او با انتقاد از کم‌کاری در معرفی نقش امام سجاد(ع) در وقایع پس از عاشورا نوشته است: «این مهم‌ترین چیزی بود که احساس کردم باید گفت. چون نوحه و شعر است که تصور جامعه را می‌سازد. ان‌شاءالله همه ما توفیق بیان دقیق معارف اهل بیت(ع) را داشته باشیم.»

افشین هاشمی، کارگردان سریال نمایش خانگی «شبکه مخفی زنان» با انتشار آنونسی از این سریال از آغاز نقش‌آفرینی لیلا حاتمی خبر داده است. در این سریال کمدی، درام و تاریخی که این روزها در حال پخش است سیامک انصاری، لیلا حاتمی، مهدی هاشمی، باران کوثری، شبنم مقدمی، شقایق دهقان، مونا فرجاد، یلدا عباسی، حمید فرخ نژاد، امیرحسین رستمی، رضا بهبودی و... حضور دارند.



کاظم سیاح، صداپیشه عروسک پشه در مجموعه «مهمونی» با انتشار تصویری از این شخصیت عروسکی و شائبه‌های مطرح شده مبنی بر حذف آن نوشته: «دوستی که در عکس بالا مشاهده می‌کنید، دوباره در مهمونی حضور دارد و این حضور دوباره را بهانه کردم تا از همه کسانی که در طول هفته گذشته نگران بودند و به من پیغام دادند، تشکر کنم. ممنون از همه پیام‌های محبت‌آمیز و حمایت‌گرانه شما و همچنین پیغام‌های شماتت‌آمیز شما که درپی مصاحبه‌ای ارسال می‌شد که در آن گفته شده بود غیبت پشه به خاطر عدم حضور من بوده است. امیدوارم از حضور دوباره جناب پشه لذت ببرید.»

عکس نوشت



شماری از عکاسان نقاط مختلف جهان با عکس‌های دیدنی خود در رقابت سالانه «عکاس حیات‌وحش سال» ۲۰۲۲ شرکت کرده‌اند. به همین مناسبت مسئولان این رقابت عکاسی دست به انتشار برخی از عکس‌های ارسالی زده‌اند. برندگان بخش‌های مختلف این رویداد هنری یازدهم اکتبر (۱۹ مهر) معرفی خواهند شد و البته نمایشگاهی برای صد اثر برگزیده نیز برپا خواهد شد. تصویری که می‌بینید کاری از «Dmitry Kokh» با عنوان «قاب قطبی» است. /ایسنا